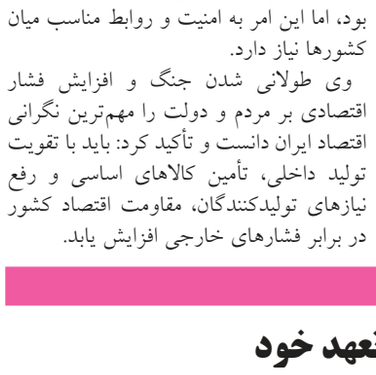

PDF Compressor Free Version

ثبت سفارش واردات تلفن همراه آغاز شد

فرود عسگری – معاون وزیر اقتصاد – در جمع خبرنگاران از آغاز ثبت سفارش واردات تلفن همراه خبر داد و گفت: مجوزهای لازم از طرف وزارت صمت صادر شده و سهمیه نیز اختصاص یافته است.

براساس گزارش‌های منتشر شده، واردات تلفن همراه در سال جاری ۷۰ درصد کاهش یافته و از سه میلیون و ۱۶۰ دستگاه در سال گذشته به حدود یک میلیون در سال جاری رسیده است. واردات گوشی در اولویت وزارت صمت نبوده و به همین سبب واردات این کالا در سال جاری به کندی صورت گرفته است.

افزایش هزینه استقراض آمریکا به بالاترین رکورد ۱۹ ساله

بازده اوراق قرضه ۳۰ ساله خزانه‌داری آمریکا در واکنش سرمایه‌گذاران به تورم فزاینده و ریسک‌های مالی، به بالای ۵.۳ درصد رسید که بالاترین سطح ۱۹ سال گذشته بود.

بازده اوراق قرضه بلندمدت آمریکا به ۵.۳۱ درصد افزایش یافت که آخرین بار در ژوئن ۲۰۰۷ مشاهده شده بود. بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله خزانه‌داری نیز در مقایسه با ۴.۷۰ درصد در پایان هفته گذشته، به حدود ۴.۷۳ درصد افزایش یافت.

فروش گسترده بدهی‌های بلندمدت دولت آمریکا در حالی رخ داد که افزایش قیمت نفت، این نگرانی‌ها را تقویت کرده است که هزینه‌های انرژی می‌تواند تورم را بالا نگه دارد و توانایی فدرال رزرو را برای تسهیل سیاست‌های پولی محدود کند.

قیمت نفت خام برنت در بحبوحه اقدامات تنش‌آفرین دولت آمریکا در خلیج فارس و ادامه عدم قطعیت در مورد حمل و نقل از طریق تنگه هرمز، به بالای ۹۰ دلار در هر بشکه رسیده است.

سرمایه‌گذاران همچنین نگران چشم‌انداز مالی آمریکا و حجم فزاینده استقراض دولت بودند. خزانه‌داری هفته گذشته ۲۵ میلیارد دلار اوراق قرضه ۳۰ ساله را با بازده ۵.۲۲ درصد فروخت که بالاترین نرخ حراج از سال ۲۰۰۱ است.

بیت‌کوین برای نوسان ۳۰ درصدی آماده می‌شود

شرکت پژوهشی «فاند استرات» به مشتریان خود هشدار داد برای نوسان‌های شدید قیمت بیت‌کوین آماده باشند.

شرکت «فاند استرات گلوبال ادوایزرز» (Fundstrat Global Advisors) که به پیش‌بینی‌های صعودی درباره بیت‌کوین شهرت دارد، اعلام کرد این رمزارز در آستانه نوسان‌های قیمتی ۳۰ درصدی یا بیشتر قرار گرفته؛ الگویی که در سال‌های گذشته نیز بخش مهمی از معاملات بیت‌کوین را شکل داده است.

تام لی، یکی از بنیان‌گذاران شرکت «فاند استرات»، هدف بلندمدت قیمت بیت‌کوین را برای ۲۰۲۶ در محدوده ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار دلار تعیین کرده است. این هدف نشان‌دهنده افزایش قابل‌توجه قیمت نسبت به محدوده‌ای است که این شرکت در اوایل ۲۰۲۶ برای بیت‌کوین در نظر گرفته بود که تقریبا بین ۵۸ هزار و ۲۰۰ تا ۷۴ هزار دلار قرار داشت.

شان فارل، رئیس بخش راهبرد دارایی‌های دیجیتال «فاند استرات»، چشم‌انداز کوتاه‌مدت متفاوتی ارائه کرده است. پیش‌بینی وی شامل احتمال عقب‌نشینی قیمت بیت‌کوین به محدوده ۶۰ تا ۶۵ هزار دلار در دوره‌ای از تثبیت بازار است.

فرضیه کلی «فاند استرات» بر ویژگی شناخته شده در تاریخ معاملات بیت‌کوین استوار است که بخش عمده‌ای از بازده سالانه این رمزارز معمولا تنها در ۱۰ روز معاملاتی رقم می‌خورد. بنابراین، سرمایه‌گذارانی که این روزها را از دست می‌دهند، ممکن است بخش قابل‌توجهی از سود سالانه بازار را از دست بدهند.

لی همچنین گفته است بیت‌کوین ممکن است در حال فاصله گرفتن از چرخه سنتی چهار ساله هاوینگ باشد.

افزایش قیمت طلا معکوس شد

قیمت طلا در معاملات بازار جهانی، تحت تاثیر افزایش بازده اوراق خزانه آمریکا و صعود قیمت نفت، کاهش یافت.

قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری، با ۰.۵ درصد کاهش، به ۴۳۹۱ دلار و ۱۴سنت رسید. قیمت هر اونس طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در ماه دسامبر با ۰.۶ درصد کاهش، به ۴۴۴۶ دلار و ۷۰ سنت رسید. طلا در معاملات با یک درصد افزایش قیمت بسته شده بود.

بازده اوراق خزانه ۱۰ ساله آمریکا افزایش یافت و هزینه فرصت نگهداری این فلز ارزشمند را افزایش داد. همچنین قیمت نفت در معاملات روز جاری اندکی افزایش یافت. افزایش قیمت انرژی معمولا موجب تشدید نگرانی‌های تورمی و تقویت انتظارات برای افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو آمریکا می‌شود. در حالی که طلا معمولا به عنوان یک پوشش ریسک در برابر تورم دیده می‌شود، نرخ‌های بهره بالا، جذابیت آن به عنوان یک دارایی بدون بازده را کاهش می‌دهد.

با این حال، در پی کاهش غیرمنتظره آمار اشتغال بخش غیرکشاورزی آمریکا در ژوئیه، تورم پایین‌تر از حد انتظار قیمت مصرف‌کننده و آمار ضعیف‌تر خرده‌فروشی، پیش‌بینی بازار برای افزایش یک‌چهارم درصدی نرخ بهره در سپتامبر تغییر کرد و احتمال ثابت ماندن نرخ بهره به حدود ۶۵ درصد رسید.

فولاد مبارکه از «گلایه» عبور کرده و برای انرژی فردا راه‌حل می‌سازد

تشدید ناترازی برق و گاز، فولاد مبارکه را از مطالبه تأمین انرژی به سمت طراحی راه‌حل‌های درون‌سازمانی سوق داده است؛ مسیری که با افزایش ظرفیت خودتامینی دنبال می‌شود.

در یک کارخانه فولاد، انرژی شبیه هوایی است که در فضای کارخانه جریان دارد؛ تا زمانی که هست، کمتر کسی به آن فکر می‌کند، اما کافی ست لحظه‌ای جریان نداشته باشد تا همه چیز معنای دیگری پیدا کند. کوره‌ها، خطوط تولید، تجهیزات و برنامه‌هایی که برای ماه‌ها و سال‌ها برنامه ریزی شده‌اند، ناگهان به یک پرسش ساده گره می‌خورند؛ برق و گاز هست یا نیست؟ سال‌ها پاسخ صنعت فولاد به این پرسش، مطالبه بیشتر و گلایه از محدودیت‌ها بود. اما ناترازی انرژی آن‌قدر تکرار شد که خودِ پرسش را تغییر داد. حالا مسئله برای فولاد مبارکه فقط این نیست که چگونه انرژی بیشتری از شبکه بگیریم؟ مسئله این است که چگونه بخشی از انرژی مورد نیاز فردای خود را خودمان طراحی کنیم؟ همین تغییر کوچک در صورت پرسش، می‌تواند آغاز یک تغییر بزرگ در شیوه اداره یک صنعت باشد؛ عبور از انتظار برای رسیدن انرژی، به ساختن ظرفیت برای روزی که ممکن است انرژی نرسد.

ختم گلایه به دیوار

سعید زرندی، مدیرعامل گروه فولاد مبارکه، در چهارمین سمینار تحلیلی فولاد و صنایع معدنی، دقیقا به همین نقطه اشاره کرد؛ به چرخه‌ای که سال‌ها تکرار شده است؛ صنعت گلایه می‌کند، موضوع به سطوح بالای تصمیم‌گیری می‌رسد، دستور بازنگری صادر می‌شود، اما در میدان اجرا دوباره همان محدودیت بازمی‌گردد. اهمیت این سخن نه در تکرار گلایه، بلکه در دعوت به عبور از آن بود. وقتی یک مسئله بارها تکرار می‌شود، شاید لازم باشد به جای بلندتر کردن صدای اعتراض، خودِ مدل مواجهه با مسئله تغییر کند. برای فولاد مبارکه، این تغییر در جایی معنا پیدا می‌کند که انرژی دیگر صرفا یک مطالبه از بیرون سازمان نباشد؛ بلکه به موضوعی برای تصمیم گیری، سرمایه گذاری و طراحی در درون سازمان تبدیل شود.

معضل اصلی انرژی

زرندی از دو بحران متفاوت در انرژی سخن گفت: نخست، نداشتن دسترسی مطمئن به انرژی و دوم، هزینه‌ای که خودِ انرژی به دلیل بی ثباتی می‌تواند بر تولید تحمیل کند.

این تفکیک مهم است. اگر مسئله فقط کمبود برق بود، راه حل می توانست افزایش ظرفیت شبکه باشد. اما وقتی قیمت انرژی نیز غیرقابل پیش‌بینی می‌شود، مسئله از تأمین فراتر می‌رود و به قابلیت پیش‌بینی اقتصاد تولید می‌رسد. برای یک صنعت سرمایه بر، این تفاوت تعیین کننده است. کارخانه فقط به برق امروز نیاز ندارد؛ سرمایه گذاری آن برای سال‌های آینده نیز به این اطمینان نیاز دارد که بتواند هزینه و ظرفیت انرژی را تا حدی پیش‌بینی کند. بنابراین انرژی به تدریج از یک نهاده تولید به یک متغیر راهبردی تبدیل می‌شود.

طراحی یا پیش بینی آینده؟

محدودیت‌های سال‌های اخیر، این ضرورت را ملموس‌تر کرده‌اند. طبق آمار ارائه شده از سوی مدیرعامل گروه فولاد مبارکه، محدودیت برق این شرکت در سال‌های ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ تشدید شده و در سال ۱۴۰۴ در برخی مقاطع به

حدود ۷۸ درصد رسیده است. در بخش گاز نیز محدودیت‌های ماه‌های سرد سال، فشار دیگری بر تولید وارد کرده است. این اعداد صرفا گزارش یک اختلال نیستند؛ آنها به بنگاه نشان می‌دهند که اتکا به یک مسیر ثابت تأمین انرژی، دیگر برای آینده کافی نیست. در چنین شرایطی، واکنش طبیعی یک سازمان می تواند انتظار برای اصلاح شرایط بیرونی باشد. اما واکنش دیگر، بازطراحی درونی است؛ اگر یک مسیر قابل اتکا نیست، آیا می توان مسیرهای دیگری ساخت؟ فولاد مبارکه در حال حرکت در همین جهت است.

راه حل، در درون کارخانه

حرکت به سمت توسعه ظرفیت تولید برق، انرژی خورشیدی و خودتامینی را باید در همین چارچوب دید. نیروگاه سیکل ترکیبی ۹۱۴ مگاواتی، نیروگاه خورشیدی ۶۰۰ مگاواتی و افزایش ظرفیت خودتامینی، صرفا پروژه‌های زیرساختی نیستند. آنها بخشی از تلاش یک بنگاه صنعتی، اقتصادی پیشرو برای تغییر رابطه خود با ریسک انرژی‌اند.

در اینجا منطق تصمیم گیری تغییر می کند. سازمان دیگر فقط نمی پرسد چه مقدار انرژی از شبکه دریافت خواهد کرد؟ بلکه بخشی از تصمیم را به این سوال اختصاص می‌دهد که چه مقدار از انرژی مورد نیازش را می‌تواند خودش تولید کند، از چه منابعی و با چه ترکیبی؟ این یعنی تبدیل انرژی از یک وابستگی به یک سبد انتخاب. اگر برق شبکه محدود شد، خورشید بخشی از پاسخ باشد. اگر قیمت‌ها دچار شوک شد، ظرفیت خودتامینی بخشی از فشار را کاهش دهد. اگر یک منبع دچار اختلال شد، همه تولید به دنبال آن متوقف نشود. راه‌حل، در اینجا یک پروژه منفرد نیست؛ یک معماری تاب آوری است.

سرمایه گذاری برای فردا

شاید از همین زاویه بتوان معنای هزینه های انرژی را نیز دوباره دید. طبق برآورد از آمارهای رسمی که مجموع هزینه‌ها و عدم‌النفع ناشی از محدودیت‌های انرژی برای فولاد مبارکه به حدود ۱.۵ میلیارد دلار رسیده است. این عدد فقط اندازه یک خسارت نیست؛ نشانه‌ای از اندازه ریسکی است که اگر [illegible] می‌تواند [illegible] توسعه‌ ای این فولادساز بزرگ خاورمیانه را ببلعد. پس سرمایه گذاری در انرژی را نباید فقط هزینه‌ای برای مقابله با خاموشی دید. این سرمایه گذاری، در واقع تلاشی برای جلوگیری از تکرار یک هزینه بزرگتر است. یعنی بنگاه امروز هزینه می‌کند تا فردا انتخاب‌های بیشتری داشته باشد.

انرژی، بخشی از نقشه بقا

از اینجا به بعد، انرژی دیگر نمی‌تواند موضوعی جدا از استراتژی فولاد باشد. بازار جهانی نوسان دارد، رقابت شدیدتر شده، فناوری در حال تغییر است و هزینه های تولید برای فولادسازان اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در چنین محیطی، شرکتی که نداند ماه آینده با چه میزان انرژی و با چه قیمتی تولید خواهد کرد، فقط با یک مسئله عملیاتی مواجه نیست؛ با مسئله‌ای درباره آینده کسب‌وکار خود مواجه است. به همین دلیل، امنیت انرژی به بخشی از امنیت تولید تبدیل می‌شود. و امنیت تولید، بدون قابلیت پیش‌بینی و بدون امکان انتخاب، شکننده باقی می‌ماند. فولاد مبارکه با حرکت به سمت تولید بخشی از انرژی مورد نیاز خود، در واقع تلاش می‌کند بخشی از این عدم قطعیت را از بیرون به درون منتقل و مدیریت کند.

دانش، اولین نیروگاه پنهان

اما طراحی راه حل فقط از جنس فولاد، بتن، پنل و توربین نیست. بخشی از ظرفیت انرژی یک سازمان در دانش آن قرار دارد. بومی‌سازی که در سال‌های گذشته برای کاهش وابستگی به خارج توسعه یافته، در شرایط بحران به یک مزیت عملی تبدیل می‌شود. مهندسی که فرآیند را می‌شناسد، تیمی که تجربه بحران دارد و سازمانی که می‌تواند دانش را از یک نسل به نسل دیگر منتقل کند، در برابر شوک‌ها دست بازتری برای تصمیم گیری دارد. شاید به همین دلیل است که تجربه بازسازی فولاد مبارکه نیز در کنار مسئله انرژی معنا پیدا می‌کند. بازسازی نشان داد وقتی شرایط از کنترل خارج می‌شود، سازمانی که دانش، تجربه و توان هماهنگی درونی دارد، فقط منتظر بازگشت شرایط عادی نمی‌ماند؛ می‌تواند خودش را دوباره سازمان دهد و سریع‌تر به مدار بازگردد. این همان منطق مشترک میان بازسازی و طراحی انرژی است؛ کم کردن فاصله میان بحران و توان پاسخ.

پاسخ به بحران امروز تا چشم انداز

در نهایت، شاید مهمترین تغییر در فولاد مبارکه در هیچ یک از اعداد مگاواتی خلاصه نشود. تغییر اصلی در نوع نگاه به مسئله است. سال‌ها سؤال این بود؛ چرا انرژی نداریم؟ حالا سؤال دیگری در حال شکل‌گیری است؛ برای اینکه کمبود انرژی نتواند آینده تولید را تعیین و متوقف کند، چه باید بسازیم؟ این تغییر، سازمان را از جایگاه یک دریافت کننده صرفِ شرایط بیرونی به جایگاهی پویاتر می‌برد؛ جایی که خودِ سازمان با تصمیم‌هایش بخشی از شرایط آینده را شکل می‌دهد. قطعا معنای واقعی عبور از گلایه نیز همین باشد. نه سکوت در برابر ناترازی؛ نه انکار خسارت؛ نه فراموش کردن مسئولیت سیاست گذار. بلکه ساختن آن بخشی از راه‌حل که در اختیار خود بنگاه است.

فولاد مبارکه نمی‌تواند به تنهایی ناترازی انرژی کشور را از میان بردارد. اما می تواند کاری کند که ناترازی، تمام آینده‌اش را تعیین نکند. و این تفکر، تفاوت میان صنعتی که منتظر انرژی می ماند و صنعتی که برای انرژی فردایش تصمیم می‌گیرد باشد.

در پایان، مسئله فقط این نیست که فردا برق کارخانه روشن خواهد بود یا نه؟

مسئله بزرگتر این است که فولاد مبارکه می خواهد روشن ماندن فردایش را تا چه اندازه به شانس، و تا چه اندازه به طراحی خودش بسپارد.

جریمه‌های میلیاردی بانک‌ها کجا رفت؟

ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن، جریمه‌های سنگینی برای بانک‌هایی پیش‌بینی کرده بود که تسهیلات مسکن نمی‌دادند، اما حقیقت تلخ این است که از سال ۱۴۰۰ تا امروز، حتی یک ریال بابت این جریمه‌ها به حساب صندوق واریز نشده است. حبیب قاسمی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار اقتصادی تابناک، پرده از ناکارآمدی‌های ساختاری این صندوق برداشت که در ادامه این گزارش، جزئیاتی از جریمه‌های پرداخت نشده بانک‌ها و ناکارآمدی وام‌های ۸۵۰ میلیونی را می خوانید.

خسرو مختاری، رییس هیات عامل صندوق ملی مسکن اخیرا چندی پیش اعلام کرد: رویکرد صندوق تغییر کرد و مقرر شد تسهیلات به‌صورت قرض‌الحسنه، مستقیماً به خود متقاضیان پرداخت شود، نه اینکه در اختیار مجریان پروژه‌ها قرار گیرد ضمن اینکه سرانه تسهیلات دو برابر شد و برای هر متقاضی در پروژه‌های ثبت‌شده ۲۰۰ میلیون تومان افزایش یافت که بانک مسکن به‌عنوان بانک عامل، پرداخت این تسهیلات را از محل منابع صندوق بر عهده گرفته است و در حال حاضر یک همت (۱۰۰۰ میلیارد تومان) اعتبار برای این موضوع اختصاص داده شده است و به محض توزیع این اعتبارات، منابع پشتیبان نیز تزریق خواهد شد.

حبیب قاسمی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در واکنش به تغییر موضع صندوق ملی مسکن به خبرنگار اقتصادی تابناک گفت: این طرح اثرگذاری چندانی نخواهد داشت؛ چراکه مبلغ یک همت نهایتا نفری ۱۰ میلیون تومان به متقاضیان برسد که مشکلی را از متقاضیان مسکن حل نخواهد کرد، ضمن اینکه صندوق ملی مسکن تاکنون هیچ کمکی به حل موضوع مسکن نکرده است .

نماینده مردم شهرضا و دهاقان در مجلس تاکید کرد: طبق ماده ٤ قانون جهش تولید مسکن، بانک‌های عامل موظف بودند ۲۰ درصد از تسهیلات خود را به بخش مسکن اختصاص دهند. در صورت عدم تخصیص، جریمه‌ای معادل ۲۰ درصد به عنوان مالیات از طریق سازمان امور مالیاتی وصول و به حساب صندوق ملی مسکن واریز می‌شد، اما نکته مهم این است که از سال ۱۴۰۰ تاکنون، عملاً هیچ مبلغی بابت این جریمه‌ها به صندوق واریز نشده است.

او بیان کرد: صندوق ملی مسکن به جای ایفای نقش کاربردی، به یک نهاد «تشریفاتی» تبدیل شده است که تنها برای پرداخت حقوق و مزایای مدیریتی به برخی افراد به کار می‌رود و عملکرد واقعی در راستای اهدافش ندارد؛ البته بهتر است که به جای واگذاری جمعی، زمین‌ها به صورت فردی و بر اساس حد نصاب هر شهر واگذار شود و وام‌ها مستقیماً به خود افراد پرداخت شود.

قاسمی تاکید کرد: با وجود ابلاغ شورای عالی مسکن، بانک مرکزی تا همین چند روز پیش دستور پرداخت وام‌های ۸۵۰ میلیون تومانی را صادر نکرده بود و حتی با پرداخت این مبلغ، به دلیل تورم شدید و قیمت‌های بالای مسکن که در بسیاری از شهرها کمتر از ۲ میلیارد تومان نیست، این مبلغ برای دهک‌های پایین و ساختمان‌های حمایتی ناکافی است.

عضو کمیسیون عمران مجلس تاکید کرد: متاسفانه صندوق ملی مسکن تبدیل به امری تشریفاتی شده و کارایی این صندوق محدود شده به اینکه شخصی مدیر عامل بشود یا حقوق هیات مدیره دریافت کنند یا پستی بگیرند که به نظر می رسد آقای مختاری رئیس صندوق ملی مسکن هم از بنده رنجیده خاطر شود اما بد نیست که پس از چند سال عملکرد این صندوق و اقداماتی که در راستای مسکن انجام شده است با دقت بیشتری بررسی شود. در بودجه جاری، مبلغ ۸ هزار میلیارد تومان (۸ همت) برای مسکن حمایتی دهک‌های ۱ تا ٤ پیش‌بینی شده است و پیشنهاد شده بخشی از این اعتبار در قالب حمایت‌های صندوق ملی مسکن باشد تا افرادی که توان «خودیاری» یا «آورده شخصی» ندارند، بتوانند واحد خود را تکمیل کنند که به دلیل عدم تطابق اقساط وام‌ها با قدرت خرید واقعی اقشار ضعیف، مردم در بازپرداخت دچار مشکل هستند که پیشنهاد شد که بازپرداخت‌ها به جای ۲٤ ماه، به صورت ۳۶ ماهه (قرض‌الحسنه) باشد تا فشار مالی از روی دوش متقاضیان برداشته شود.

اولویت‌های اقتصاد ایران در شرایط جنگی از منظر کارشناسی

یک اقتصاددان با اشاره به شرایط اقتصادی کشور در شرایط جنگ، تأمین کالاهای اساسی و حفظ قدرت خرید مردم را اولویت اصلی اقتصاد ایران دانست و گفت: جنگ و تحریم‌ها می‌تواند درآمدهای ارزی و نفتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد و در چنین شرایطی باید تلاش کرد فشار اقتصادی کمتری به مردم وارد شود.

با توجه به قرار گرفتن کشور در شرایط جنگی و تغییر برنامه‌ها و اولویت‌های اقتصادی، اقتصاد از حالت عادی خارج می‌شود و دیگر نمی‌توان با معیارهای معمولی مثل رشد، بهره‌وری یا حتی کنترل تورم به تنهایی آن را اداره کرد. در این شرایط، اولویت از «بهبود شاخص‌های اقتصادی» به «حفظ بقا و پایداری کشور، تولید و معیشت مردم» تغییر می‌کند؛ به‌طوری که همه تصمیم‌های اقتصادی باید در خدمت تاب‌آوری جامعه، جلوگیری از فروپاشی تولید و حفظ انسجام اجتماعی قرار بگیرند.

در شرایط جنگی، هم‌زمان مسیرهای تجارت خارجی، درآمدهای ارزی و توان مالی دولت را تحت فشار قرار داده، اقتصاد ایران با چند مسئله به‌هم‌پیوسته روبه‌رو است؛ از تأمین کالاهای اساسی و حفظ قدرت خرید مردم گرفته تا تأمین هزینه‌های دولت و مدیریت کسری بودجه. در چنین شرایطی، محدود شدن مسیرهای دریایی و دشوارتر شدن تجارت نیز می‌تواند فشار بیشتری بر اقتصاد وارد کند و اهمیت استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه و مسیرهای جایگزین تجاری را افزایش دهد.

در این میان، این پرسش مطرح است که دیپلماسی اقتصادی ایران در شرایط جنگ باید بر کدام اولویت متمرکز شود و دولت چگونه می‌تواند میان تأمین نیازهای مردم، حفظ درآمدهای ارزی و تأمین هزینه‌های جنگ تعادل ایجاد کند؟ آیا کشورهای همسایه می‌توانند بخشی از مسیرهای تجاری از دست‌رفته را جبران کنند و آیا در چنین شرایطی هنوز می‌توان به جذب سرمایه خارجی امیدوار بود؟

در این زمینه علی قنبری –کارشناس اقتصادی–، با تأکید بر اینکه تأمین کالاهای اساسی و حفظ قدرت خرید مردم باید در اولویت قرار گیرد، کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه را از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران در شرایط جنگ دانست.

او همچنین بر استفاده بیشتر از ظرفیت کشورهای همسایه و تجارت پایاپای برای کاهش فشار ناشی از محدودیت‌های ارزی و تجاری تأکید کرد.

قنبری کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه را از دیگر چالش‌های اقتصاد ایران در شرایط جنگ عنوان و اظهار کرد: دولت هم‌زمان باید هزینه‌های نظامی، امنیتی و نیازهای اساسی مردم را تأمین کند و اگر اقتصاد کشور ضعیف شود، فشارهای خارجی آسیب بیشتری به مردم وارد خواهد کرد.

این اقتصاددان بر استفاده بیشتر از ظرفیت کشورهای همسایه به‌ویژه کشورهای دارای مرز زمینی با ایران تأکید کرد و گفت: با توجه به محدودیت‌های احتمالی در مسیرهای دریایی، گسترش روابط اقتصادی با همسایگان و استفاده از تجارت پایاپای می‌تواند به تأمین کالاهای اساسی و کاهش فشار ناشی از محدودیت درآمدهای ارزی کمک کند.

قنبری درباره جذب سرمایه خارجی نیز گفت: در شرایط جنگ، در حد محدود می‌توان به جذب سرمایه از کشورهای همسایه امیدوار بود، اما این امر به امنیت و روابط مناسب میان کشورها نیاز دارد.

وی طولانی شدن جنگ و افزایش فشار اقتصادی بر مردم و دولت را مهم‌ترین نگرانی اقتصاد ایران دانست و تأکید کرد: باید با تقویت تولید داخلی، تأمین کالاهای اساسی و رفع نیازهای تولیدکنندگان، مقاومت اقتصاد کشور در برابر فشارهای خارجی افزایش یابد.

دولت از تعهد خود در خصوص کالابرگ عقب نشینی نمی کند

سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، در جریان جلسه علنی مجازی مجلس و در جریان بررسی عملکرد دولت در اجرای طرح کالابرگ و حمایت از اقشار آسیب پذیر بیان کرد: شرایط کشور به گونه‌ای رقم خورد که در طول چند ماه گذشته شرایط برای ارائه گزارش به نمایندگان فراهم نبود و این توفیق از ما سلب شد.

وی در ادامه با اشاره به انفجار در بندر شهید رجایی در سال ۱۴۰۴ اظهار کرد: در سال گذشته ابتدای سال را با انفجاری بزرگ در بندر شهید رجایی آغاز کردیم که در آن سرمایه های ما و به ویژه مردم آسیب دیدند. هنوز از شوک این انفجار بیرون نیامده بودیم که دولت ترامپ در آغاز کار خود فرمانی ۵ ماده‌ای را علیه ما صادر کرد؛ که به قول خودشان بزرگترین تحریم علیه یک کشور در طول تاریخ است.

رئیس سازمان برنامه و بودجه تصریح کرد: در بهار سال گذشته شاهد آغاز جنگ ۱۲ روزه بودیم و چه گوهرهایی که از بین ما رفتند. در تابستان سال ۱۴۰۴ بزرگترین خشکسالی تاریخ کشور رقم خورد به نحوی که پروژه‌های بزرگ تامین آب تهران انجام شد حتی در آن زمان بحث تخلیه تهران نیز مطرح شد. به خاطر مشکلاتی که خشکسالی برای ما ایجاد کرد مجبور شدیم بیش از دو میلیارد دلار دیگر هزینه برای واردات نهادهای دامی اختصاص دهیم.

پورمحمدی در ادامه بیان کرد: از طرف دیگر قیمت نفت که تا ۷۰ دلار بالا رفته بود به ۵۰ دلار کاهش پیدا کرد و ما برای تامین منابع ارزی کشور به این درآمد نیاز داشتیم که با کاهش مواجه شد.

رئیس سازمان برنامه بودجه در ادامه تصریح کرد: در میانه سال گذشته شاهد بودیم که سپاه پاسداران را تروریستی اعلام کردند و تحریم‌ها را علیه کشور ما تشدید کردند. در پایان سال گذشته نیز با جنگ رمضان مواجه بودیم که هزینه‌های سنگینی را به اقتصاد کشور وارد کرد. اما در اوج جنگ بودجه سال ۱۴۰۵ با همت نمایندگان به موقع تصویب و ابلاغ شد.

پورمحمدی در ادامه بیان کرد: اما جنگ رمضان تفاوتی با دوره‌های قبل داشت این بار زیرساخت‌ها و منابع درآمدی دولت دچار مشکل شد. در ماه‌های شهریور و مهر ما همواره سخت‌ترین ماه را در بودجه کشور پیش رو داریم. فشار بر روی بودجه کشور در این دوماه زیاد است چرا که هم باید پول گندمکاران را پرداخت کنیم و هم باید مدارس را مهیا کنیم و در این شرایط ما نیاز به کمک مجلس داریم.

وی در ادامه بیان کرد: تقاضا می‌کنیم کمیته‌ای مشترک بین مجلس و دولت تشکیل شود تا در خصوص اصلاح قانون بودجه و اصلاح قانون برنامه هفتم که مورد تاکید رهبری بوده است تصمیم گیری شود.

پورمحمدی در ادامه با اشاره به آخرین وضعیت پرداخت کالابرگ گفت: در مورد کالابرگ، منابع ما برای پرداخت فردش نفت، فرآورده های نفتی و گاز بود که در جنگ دچار آسیب شدند. اما این به معنای عقب نشینی دولت از تعهد خود در قبال مردم نیست. کالابرگ باید اجرا شود اما روش آن را باید تنظیم کنیم. در کل سال گذشته ۱۵۰ همت منابع برای کالابرگ تخصیص یافت اما امسال تا به امروز بیش از ۲۲۰ همت منابع برای کالابرگ اختصاص یافته است. باید از اقشار آسیب پذیر حمایت شود.

مدرسه دقیقی شرفخانه– شبستر– آذربایجان شرقی